گفت‌وگوی خراسان با زنی که عضو باند سرقت بود

سرنوشت سیاه!

او در حالی خون‌آلود به خانه رسید که از باران تیر گریخته بود!

سجاد پور- چند روز قبل ماموران کلانتری شفای مشهد به تعقیب سارقانی پرداختند که یک دستگاه خودروی پراید را از حوزه استحفاظی کلانتری قاسم آباد سرقت کرده بودند. در این عملیات که به تیراندازی پلیس انجامید دو نفر از سرنشینان خودروی سرقتی مجروح شدند اما یکی از مجروحان در حالی دستگیر شد و به مرکز درمانی انتقال یافت که راننده و سرنشین مجروح دیگر با استفاده از تاریکی شب از محل گریختند. گزارش خراسان حاکی است ماموران تجسس کلانتری که با دستورات ویژه قاضی سید جواد حسینی (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) عملیات ردزنی دزدان فراری را آغاز کرده بودند به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد سارقان فراری در یک منزل مسکونی واقع در بولوار رسالت مشهد مخفی شده‌اند. زمانی که نیروهای تجسس وارد مخفیگاه سارقان شدند یک زن و دو مرد دیگر از اعضای این باند را در حالی به دام انداختند که فرد مجروح فراری آخرین نفس های زندگی‌اش را می‌کشید. زنی که عضو باند سرقت بود به همراه دیگر سارقان، یکی از گلوله ها را از بدن جوان مجروح خارج کرده بودند اما گلوله دیگر هنوز در بدن سارق وجود داشت.

به گزارش خراسان، پس از کشف مقادیر زیادی لوازم و قطعات خودروهای سرقتی از «لانه کثیف» بازجویی های تخصصی از اعضای این باند سرقت آغاز و مشخص شد که زن جوان نیز یکی از اعضای این باند است و در سرقت ها نقش اصلی را دارد. آن چه می خوانید گفت و گوی خراسان با این سارق جوان است.

نامت چیست؟ مهری

چند ساله هستی؟ ۲۹ سال دارم.

اهل مشهدی؟ بله! در مشهد متولد شدم و در حاشیه شهر رشد کردم.

به چه اتهامی دستگیر شدی؟ به خاطر سرقت قطعات خودرو

تا چه مقطعی تحصیل کردی؟ سیکل

چرا ترک تحصیل کردی؟ ازدواج کردم.

چند خواهر و برادر داری؟ یک خواهر ناتنی کوچک تر از خودم و یک خواهر تنی دو قلو دارم بیشتر از ۱۵ سال است که خواهر دو قلویم را ندیدم فقط می دانم ازدواج کرده است و او هم دو فرزند دو قلو دارد!

پدر و مادرت در قید حیات هستند؟ خیر از مادرم که چیزی به خاطر ندارم پدرم می گفت وقتی نوزاد شیرخواره ای بودم توسط یکی از بستگانش به قتل رسیده است! پدرم را نیز ۹ سال قبل از دست دادم او بر اثر شدت مصرف مواد مخدر دچار عفونت ریه شد و از دنیا رفت.

بعد از مرگ پدرت چگونه زندگی‌ات را می گذراندی؟ نامادری ام به دنبال زندگی خودش رفت و من که چند سالی بود طلاق گرفته بودم و اعتیاد داشتم به تدریج به سمت خلاف کشیده شدم.

دوران کودکی و نوجوانی شما چگونه سپری شد؟ به سختی! وقتی در شکم مادرم بودم پدرم به جرم قاچاق مواد مخدر به حبس ابد محکوم شد بعد از مرگ مادرم نیز من و خواهر دوقلویم را مادربزرگ پدری ام تر و خشک می کرد تا وقتی که پدرم عفو خورد و از زندان آزاد شد و مجدد ازدواج کرد بعد از آن من و خواهرم نزد نامادری و پدرم زندگی می کردیم. نامادری ام هم مدام کتکمان می‌زد.

بزرگ ترین آرزوی دوران کودکی‌ات چه بود؟ (متهم چند لحظه سکوت کرد و سپس در میان اشک و آه گفت) آرزویم این بود که یک خانواده داشته باشم و مثل آدم های معمولی زندگی کنم!

از دواج کردی؟ بله اولین بار در سن ۱۵ سالگی به اجبار نامادری ام با فردی لاابالی، معتاد و دایم الخمر ازدواج کردم که دو سال بعد طلاق گرفتم. برای دومین بار در سن ۲۵ سالگی در حالی که برای خرید پاپ (ابزار استعمال مواد مخدر صنعتی) رفته بودم با محسن (یکی از سارقان دستگیر شده) آشنا شدم و به صورت موقت به عقد او در آمدم.

فرزند داری؟ خوشبختانه خیر!

آیا اعتیاد به مواد مخدر داری؟ بله ۱۲ سال است که شیشه مصرف می کنم.

چرا به مصرف مواد مخدر روی آوردی و اولین بار چه کسی به شما پیشنهاد مصرف مواد مخدر را داد؟ بعد از طلاق از همسر اولم شرایط روحی نامناسبی داشتم و به پیشنهاد یکی از دوستانم به مصرف مواد مخدر صنعتی (شیشه) روی آوردم.

آیا تا به حال سعی در ترک مواد مخدر داشتی؟ بله چندین بار سعی کردم ترک کنم اما موفق نشدم.

هزینه مصرف مواد مخدر را چگونه تامین می کنی؟ روزی ۳۰ هزار تومان شیشه مصرف می کنم که همسرم با سرقت و جمع آوری ضایعات هزینه آن را تامین می کند.

سابقه کیفری داری؟ بله با عنوان سرقت، اعتیاد و رابطه نامشروع

چرا پس از آزادی از زندان مجدد مرتکب جرم شدی؟ با افراد خوبی معاشرت ندارم آخرین بار که ۱۰ ماه قبل از زندان آزاد شدم شوهرم به دنبالم آمد و باز هم در آن فضای خلاف قرار گرفتم.

چرا دستگیر شدی؟ من با مادر شوهرم در یک خانه زندگی می کنیم او هم مثل من و شوهرم معتاد است و شیشه مصرف می کند و از راه جمع آوری ضایعات هزینه موادش را تامین می کند.

چند روز قبل تقریبا سحر بود که عماد شوهر خواهر محسن در حالی به خانه مادر شوهرم آمد که تیر خورده بود و خونریزی داشت و گفت که با جلال و مجید با خودروی سرقتی برای دزدی رفته بودند که ماموران کلانتری شفا آن ها را تیرباران کردند! از طرفی مادر شوهرم چون من کسی را ندارم خیلی من را در خانه اذیت می کند. شب گذشته محسن می خواست با دوستش حسن برای سرقت بیرون بروند که من برای فرار از نیش زبان های مادر شوهرم از خانه خارج شدم و از محسن خواستم من را با خودش ببرد. حسن مقابل یک منزل در بولوار شفا نگه داشت و گفت من مدتی است این خانه را در نظر گرفتم و نمی توانم از این خانه بگذرم! آن ها به داخل خانه رفتند و از داخل پیلوت مقداری لوازم سرقت کردند اما حسن طمع کرد و گفت باید باتری خودرو را هم برداریم می خواهم آن را روی خودروی خودم بگذارم! وقتی حسن به داخل خانه رفت صاحبخانه بیدار شد ما هم فرار کردیم ... امروز صبح در خانه خواب بودیم که ماموران کلانتری شفا سر رسیدند و همگی مان را دستگیر کردند.

چه کسی را در سرنوشت پیش آمده مقصر می دانی؟ نمی دانم! اگر بگویم پدر و مادرم که آن ها زیر خروارها خاک خفته اند و دوست ندارم پشت سر مرده حرفی بزنم! شاید مقصر اصلی این سرنوشت سیاه خودم باشم!

اگر به عقب برگردی چه مسیری را در زندگی انتخاب می کنی؟ مسیر درستی که در آن بتوانم یک زندگی معمولی مثل بقیه آدم ها داشته باشم.

محل زندگی اعضای باند سرقت

عضو باند

دزد مجروح پشت این پرده در حال احتضار بود

عکس‌ها اختصاصی از خراسان

در امتداد تاریکی

نقشه پدرشوهر برای عروس!

وقتی بعد از گفت‌وگو با جاری ام گوشی تلفن را گذاشتم، تنم لرزید. این جمله او که «نگذار تا آخر عمر نفرینت کنم!» مدام در ذهنم رژه می رفت. اما به خاطر آن که فرزندانم را از دست ندهم هم چاره دیگری نداشتم چرا که... زن ۳۰ ساله در حالی که بیان می کرد برای رهایی از زندگی بی سر و سامانی که به دنبال ازدواج اجباری دچار آن شده‌ام، گاهی افکار احمقانه به سرم می‌زند، درباره داستان تلخ زندگی‌اش به کارشناس اجتماعی کلانتری آبکوه مشهد گفت: ۱۸ سال بیشتر نداشتم که با «رجب» ازدواج کردم. او مردی مهربان و زحمت کش بود که برای رفاه و آسایش خانواده‌اش از هیچ تلاشی فروگذار نمی کرد. زندگی من و او با به دنیا آمدن دو فرزند دختر و پسر صفای دیگری یافت به طوری که سفره خوشبختی در منزلم گشوده شده بود اما این روزهای شیرین خیلی زود به پایان رسید چرا که همسرم در جوانی دچار سکته قلبی شد و مرا با فرزندانم تنها گذاشت. مرگ همسرم سرآغاز بدبختی های من شد و زندگی‌ام در تنگناهای وحشتناکی قرار گرفت، به گونه‌ای که برای حفظ فرزندانم و این که آن ها را زیر بال و پر خودم بگیرم، به دست و پای پدرشوهرم افتادم و اشک ریزان التماس کردم تا اجازه دهد فرزندانم را خودم بزرگ کنم و سرپرستی آن ها را به عهده بگیرم. پدرشوهرم که بعد از مرگ رجب تصمیم داشت حضانت نوه هایش را از من بگیرد، با این شرط از خواسته‌اش گذشت که من تعهد بدهم هیچ وقت ازدواج نکنم. من هم برای حفظ فرزندانم تعهد محضری دادم چون می دانستم با حقوق مستمری همسرم می توانم زندگی ام را اداره کنم و از سوی دیگر نیز با خیاطی و ساخت عروسک در منزل روزگارم می گذشت. با وجود این خانواده شوهرم دست بردار نبودند، حتی زمانی که مهمانم می شدند تنم می لرزید چرا که احساس می کردم برای گرفتن فرزندانم برنامه ریزی کرده‌اند. با همه این ها، ناگهان روزی این کابوس ها به گونه دیگری تعبیر شد. یک شب پدر و مادر رجب به همراه برادر شوهر بزرگم به خانه ام آمدند. از حرف هایی که می زدند آرام آرام نگرانی سراسر وجودم را فرا گرفت. ترس از این که حضانت دختر و پسرم را بگیرند در چشمانم موج می زد ولی آن ها نقشه دیگری در سر داشتند. پدرشوهرم در میان حیرت و ناباوری، مرا برای برادر شوهرم خواستگاری کرد. «صفر» ۱۵ سال از من بزرگ‌تر بود و همسر دوسه فرزند داشت. پدرشوهرم با همان غرور خاص مردانه اش نگاه تحکم آمیزی به من کرد و گفت: کارهای مقدماتی را انجام بده تا فردا صبح برای خواندن خطبه عقد و ثبت رسمی ازدواج به محضر برویم! لحظه‌ای که خودم را جمع و جور کردم تا التماسش کنم، نگاهش را از من برگرداند و گفت: اگر راضی نیستی نوه هایم را تحویل بده! و با این جمله منزلم را ترک کرد. با رفتن آن ها به روزگار سیاه خودم گریستم. نمی توانستم بدون فرزندانم زندگی کنم. من یک مادر بودم و با دوری دختر و پسرم زجر کش می شدم. ساعتی بعد اشک هایم را پاک کردم و با جاری ام تماس گرفتم. وقتی ماجرا را برای «سوسن» باز گو کردم، فقط صدای گریه را از آن سوی خط می شنیدم. دقایقی بعد در میان اشک و ناله گفت از اول زندگی تا به حال پدرشوهرم برای ما تصمیم گرفته است، هیچ گاه جرئت نکردم با نظراتش مخالفت کنم حالا هم او تصمیمش را عملی می کند. اما بدان که من راضی نیستم و تا آخر عمر نفرینت می کنم. وقتی گوشی تلفن را قطع کردم همه وجودم لرزید ولی چاره‌ای نداشتم. روز بعد خانواده شوهرم برای رفتن به محضر دنبالم آمدند و... خلاصه اکنون در حالی یک سال از آن ماجرا می گذرد که زندگی نکبت باری را تحمل می کنم. «صفر» هیچ تناسب اخلاقی با رجب ندارد. او برخلاف همسر سابقم، انسان سالمی نیست و با زنان و دختران دیگری ارتباط دارد. مشروب می خورد و مواد مصرف می کند. با آن که او یک شب در میان به منزلم می آید اما چنان رفتار و حرکات زشتی انجام می دهد که از بیان آن ها شرم دارم. او در حالت مستی مرا با کمربندش کتک می زند و من از ترس، کودکانم را زیر بال و پرم می گیرم تا به آن ها آسیبی نرساند. از سوی دیگر نیز از زبان اطرافیانم شنیده‌ام که جاری ام مدام مرا نفرین می کند که زندگی‌اش را نابود کرده‌ام. در این شرایط گاهی افکار احمقانه‌ای مانند فرار از خانه از ذهنم می گذرد اما... شایان ذکر است، با راهنمایی و صدور دستوری از سوی سرهنگ محمدی (رئیس کلانتری آبکوه) پرونده این زن جوان با دعوت از شوهر او در دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی و روان‌شناسی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

خط زرد

پیشگیری از کلاهبرداری با شگرد فروش، اجاره و رهن املاک

- دقت کنید که در معامله ملک، بنگاه موظف است به شما کد رهگیری بدهد که معتبر بودن کد رهگیری خود می تواند دلیلی برای معتبر بودن بنگاه باشد.
- اعتبار کدهای رهگیری را می توانید در سامانه اطلاعات مدیریت معاملات املاک و مستغلات کشور کنترل کنید.
- فروشنده موظف است سند اولیه ملک را به رویت مشاور املاک و خریدار برساند و در ازای پیش فروش ملک مدنظر، پیش سند به شما ارائه کند.

سرهنگ بوستانی رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

کوتاه از حوادث

***پلیس/** سرهنگ روحا... شهبازی پور رئیس پلیس فتای کهگیلویه و بویراحمد از شناسایی و دستگیری افرادی که به جرم کلاهبرداری با عنوان همسریابی در شبکه اجتماعی اینستاگرام اقدام به انتشار مطالب و تصاویر مستهجن می کردند، خبر داد.

***میزان/** سرهنگ نوراله خادم رئیس پلیس راه تهران بزرگ از بازداشت راننده اتوبوس متخلف بزرگراه «تهران-قم» خبر داد و گفت: بلافاصله پس از انتشار فیلم هنجارشکنی راننده اتوبوس، اتوبوس توقیف و راننده متخلف بازداشت شد.

***شبکه خبر/** ساعت ۸:۰۲ صبح دیروز زلزله‌ای به بزرگی ۴/۵ ریشتر منطقه قطور در شهرستان خوی را لرزاند. از خسارت های احتمالی این زمین لرزه گزارشی ارسال نشده است.

***ایسنا/** در پی وقوع انفجار در یک کارخانه مواد شیمیایی در چین طی شنبه گذشته دست کم سه نفر کشته و چهار نفر مصدوم شدند.

***ایسنا/** یک روزنامه آلمانی گزارش داد، مقامات آلمان یک حلقه خلافکار بین المللی که افراد مسن را فریب می دادند تا پول و اشیای قیمتی شان را به خلافکارانی که خود را به عنوان افسران پلیس جا می‌زدند، تحویل دهند، منهدم کردند.

***توکلی/** نادر سیدی فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان کرمان از کشف و جمع آوری تله های مخصوص زنده گیری پرنده هوبره در مناطق شرقی این استان خبر داد.

کلاهبرداری با وعده سوددهی بالای طلای آب شده

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از شناسایی و دستگیری عامل کلاهبرداری با ترفند کسب سود بالا با خرید و فروش طلای آب شده در شبکه های اجتماعی با ارزش بیش از یک میلیارد ریال خبر داد.

به گزارش پلیس فتا، سرهنگ داود معظمی گودرزی در تشریح این خبر افزود: چندی پیش شخصی با در دست داشتن مرجوعه قضایی به اداره پلیس مراجعه کرد و مدعی شد در شبکه اجتماعی تلگرام از وی کلاهبرداری شده است.

وی ادامه داد: طبق اظهارات شاکی مشخص شد که وی در فضای مجازی با شخصی ناشناس آشنا شده که با ترفندهای زیرکانه و به بهانه کسب سود از راه خرید طلای آب شده بدون اجرت و کارمزد؛ وی را فریب داده است.

این مقام انتظامی بیان کرد: در تحقیقات اولیه مشخص شد دو کانال و یک گروه تلگرامی با بیش از ۸۰ هزار نفر عضو در این زمینه فعالیت دارند و روزانه تعداد زیادی از کاربران فضای مجازی به این کانال ها و گروه ها مراجعه می کنند که با اقدامات تخصصی افسران سایبری پلیس فتا، ادمین اصلی این کانال ها و گروه ها در فضای مجازی مورد شناسایی قرار گرفت و با به کارگیری فنون پلیسی و طی هماهنگی با مراجع قضایی، مجرم در یکی از محله های شرق استان تهران دستگیر شد.

وی افزود: متهم پس از انتقال به پلیس فتا اظهار کرد در شبکه اجتماعی تلگرام تعدادی کانال و گروه برای خرید و فروش طلای آب شده راه اندازی و با تبلیغ سوددهی بالا در ازای خرید و فروش طلا ظرف چند ساعت اقدام به دریافت مبالغ بالا از مراجعه کنندگان کرده است. وی پس از دریافت وجه، قربانیان را از کانال و گروه حذف می کرد.

سرقت مجازی ۱۰۰ میلیونی از بیمار کرونایی ناکام ماند

فرمانده انتظامی شهرستان گرمسار گفت: برداشت غیرمجاز از حساب بیمار کرونایی بستری در این شهرستان به ارزش یک میلیارد ریال با تلاش پلیس به شناسایی حساب سارقان مجازی و بازگشت مبلغ انجامید.

به گزارش ایرنا، سرهنگ غلامحسین عرب افزود: ساعت ۱:۴۵ بامداد شنبه یک بیمار کرونایی بستری در بیمارستان معتمدی گرمسار، پیامک برداشت یک میلیارد ریال از حسابش را دریافت کرد.

وی با بیان این که شهروند گرمساری بی درنگ با پلیس تماس گرفت و موضوع را مطرح کرد، ادامه داد: در پیگیری های پلیس مشخص شد این مبلغ در دو مرحله از حساب شاکی پرونده به صورت غیرمجاز برداشت شد.

به گفته عرب، با پیگیری های تخصصی پلیس، حساب مقصد شناسایی و پس از هماهنگی های لازم و قانونی آن حساب مسدود شد.

فرمانده انتظامی شهرستان گرمسار به سرعت عمل مأموران پلیس در رسیدگی به این پرونده اشاره کرد و از برگشت یک میلیارد ریال به حساب این بیمار کرونایی خبر داد.

وی با بیان این که این اتفاق همزمان برای چهار نفر دیگر نیز در سایر نقاط کشور رخ داد، اضافه کرد: تحقیقات پلیس برای کشف همه جوانب این پرونده همچنان ادامه دارد.

حادثه در قاب

رکنا/ در تصادف پراید با کامیون در جاده بندر ماهشهر-رامشیر، راننده پراید که مردی حدود ۴۵ ساله بود در دم جان باخت و سرنشین دیگر مصدوم شد.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی (دو مرحله ای)

نوبت اول

شماره مجوز: (۱۳۹۹.۵۴۳۰)

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه دهم در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:

شماره تقاضا و مناقصه	مناقصه شماره R۱۰/۹۹/۰۰۴ - تقاضای EM-۹۷۰۰۶۵۲
شرح مختصر اقلام درخواستی	Flame Detector
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	پس از اتمام مرحله ارزیابی صلاحیت ، مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۵۰۶۵۹/ت/۱۲۳۴۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیئت وزیران می باشد. تبصره: در صورت ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار بصورت وجه نقد ، مبلغ نقدی می بایست به شماره حساب ۰۱۷۵۷۵۶۱۶۱۰۰۶ بانک ملی شعبه کنگان بنام پالایشگاه دهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی واریز و فیش واریزی ارائه گردد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۶۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط	۱۳۹۹/۱۱/۰۶
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۱۳۹۹/۱۱/۲۶
تاریخ گشایش پاکتهای فنی	۱۳۹۹/۱۲/۰۳
تاریخ گشایش پاکات مالی	۱۳۹۹/۱۲/۲۰
آدرس و تلفن مناقصه‌گزار	استان بوشهر ، شهرستان کنگان ،منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس سایت ۲ ، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، فاز ۱۹ ، پالایشگاه دهم ، اداره تدارکات و امور کالا ، واحد خرید - تلفن: ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۸۷ - ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۸۳ - فکس: ۰۷۷۳۱۴۶۶۳۸۴ - ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۷۳ - تلیدیه: ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۷۱

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۸۷ و ۰۷۷۳۱۴۶۶۲۸۳ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

۹۹۰۷۱۲۱۵

«کرونا ، ما را از مصرف درست آب ، غافل نکند»

« آگهی تجدید مناقصه عمومی با ارزیابی کیفی»

شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی مشروح ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه ، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد . لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند . تاریخ انتشار در سامانه ۱۳۹۹/۱۰/۱ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه به مناقصه گران ارسال خواهد شد.

موضوع	شماره فراخوان	مدت اجرا	مبلغ برآورد اولیه به ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	رتبه و رشته مورد نیاز	محل تأمین اعتبار	نوع تضمین شرکت در مناقصه
تجدید مناقصه طرح احداث مخازن روستاهای خلق آباد ، معین آباد و دیگر روستاهای بخش مرکزی (۱) شهرستان مشهد	۲۰۹۹۰۰۵۱۲۹۰۰۰۰۱۱	۷ ماه	۱۹/۹۰۸/۶۱۷/۱۷۱	۹۹۶/۰۰۰/۰۰۰	حداقل گواهی‌نامه صلاحیت رشته ابنیه با آب پایه پنج صادره از سازمان برنامه و بودجه کشور	طرحهای عمرانی	۱.واریز نقدی به حساب جاری شماره ۲۱۷۵۲۰۱۷۹۷۰۰۷ بانکی ملی شعبه مرکزی مشهد ۲.ضمانتنامه بانکی ۳.اوراق مشارکت

۱. مهلت ومحل دریافت اسناد ارزیابی کیفی از تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۱ لغایت ۱۳۹۹/۱۰/٤ در سامانه ستاد بارگذاری و در دسترس متقاضیان قرار خواهد گرفت. ۲. خاتمه دوره بارگذاری، تکمیل و ارسال اسناد ارزیابی کیفی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد): مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ - ۳.اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار : مشهد، خیابان فلسطین ، نبش فلسطین ۲۶ ، شرکت آبفا مشهد ، تلفن: ۳۷۰۰۸۱۲٤ ، دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد

۵/۹۹۰۵۷۳۶۳